

گنجینه‌هایی از تجربه‌ها و اندیشه‌های کارساز و ارزنده برای امروز و فردا

• توران میرهادی

دبیر اجرایی فرهنگنامه کودکان و نوجوانان

دو کتاب در برابر من روی میز است: یکی مجموعه مقالات درباره کتاب و کتابداری نوشته نوش آفرین انصاری که در سال ۱۳۵۴ منتشر شده است و حاوی ۱۰ مقاله درباره مطالب زیر است: «کتاب و اجتماع، کتابدار و اجتماع، انتخاب کتاب در کتابخانه‌های دانشگاهی، چرا ما رانگانان نداریم؟، تاریخچه تربیت کتابدار آموزشگاهی در ایران، نامه سرگشاده به آقای شهردار، کتابدار کودک، برنامه ریزی ملی خدمات کتابخانه‌ها در ایران، مسائل کتابخانه‌های دانشگاهی در ایران و تشکیل کتابخانه در روستا». دیگری دو گفتار درباره کتابخانه آموزشگاهی و ایجاد عادت به مطالعه، کتاب اول از تجربه‌های مدرسه فرهاد است، که چاپ اول آن مربوط به سال ۱۳۵۸ است و اخیراً با عنوان کتابخانه آموزشگاهی تجدید چاپ شده است.

فکر کردم آیا مسائل طرح شده در این دو کتاب هنوز هم در کشور ما مسأله هستند؟ آیا همه مدارس مکتبخانه فعال دارند؟ آیا عادت به مطالعه در دانش آموزان ما بوجود آمده است؟ آیا بیشتر روستاهای مکتبخانه عمومی دارند؟ آیا این همه تلاشی که سازمان‌های دولتی و غیردولتی می‌کنند نتیجه داده است؟ آیا تیراژ کتاب بالا رفته است؟ آیا زمان کتاب خوانی مردم ما قابل پذیرش است؟ این دو کتاب خاطرات بسیاری از گذشته را در من بیدار کرد و نقش خانم انصاری، این استاد گرانمایه را در یک یک فعالیت‌هایی که ما را به این نیمه راه رسانده است، نشان داد.

برمی‌گردم به بهمن ماه سال ۱۳۳۵ شمسی و آغاز کار در حوزه کتاب برای کودکان و نوجوانان، نخستین نمایشگاه ادبیات کودکان در دانشکده هنرهای زیبا و نشان دادن کتاب‌های انگشت‌شماری که توانسته بودیم جمع‌آوری کنیم. سپس به نمایشگاه سال ۱۳۳۷ و پرسش‌های کودکان و نوجوانان و کمبود کتاب برای جواب به این پرسش‌ها در همه زمینه‌های دانش بشری، و بالاخره طرح تجربی تأسیس کتابخانه مدرسه فرهاد بدون داشتن امکانات مالی، کتاب، کتابدار و فضا که با ۵۰ کتاب هدایی دانش آموزان آغاز به کار کرد و در سال ۱۳۵۹، زمانی که بازنشسته شدم، بیش از ۱۴۰۰۰ کتاب و مخزنی جالب توجه از نقشه، تصویر، کتاب آسان، کتاب دست‌ساز و وسایل کمک آموزشی داشت و به نیازهای بیش از ۱۲۰۰ دانش آموز پاسخ می‌داد.

این طرح چگونه اجرا شد و چگونه به بار نشست؟ عامل اصلی موفقیت آن را می‌توان در همیاری دانش آموزان، والدین، معلمان و دانشجویان و استادان، و نگاه خاص خانم انصاری به کتاب و کتابخانه و کتابداری دانست. کتابخانه مدرسه فرهاد در یک زیرزمین، انباری خانه‌ای قدیمی، قرار داشت. درس عملی دانشجویان کتابداری خانم انصاری، در این زیرزمین برقرار می‌شد. دانشجویان کتاب‌ها را بررسی، طبقه‌بندی و برگه‌نویسی می‌کردند و به مجموعه کتابخانه طبق استانداردهای علمی شکل می‌دادند. رفت و آمد دانش آموزان ابعاد کار معلمی را که نقش کتابدار داشت به آنها نشان می‌داد. دانشجویان زیر نظر خانم انصاری به کتابدار و دستیاران دانش آموز اوشیوه اداره کتابخانه، و امانت دادن،

دو کتاب مجموعه
مقالات درباره کتاب و
کتابداری و دو گفتار درباره
کتابخانه آموزشگاهی و
ایجاد عادت به مطالعه و
نقش خانم انصاری، این
استاد گرانمایه را در
یک یک فعالیت‌هایی که ما
را به این نیمه راه رسانده
است، نشان داد

در تأسیس کانون
پرورش فکری کودکان و
نوجوانان و برنامه‌های کار
کانون، در زمینه تأسیس
کتابخانه‌های عمومی
برای کودکان در تهران و
درسراسر ایران از
آموخته‌های خانم
انصاری بهره‌می‌بریم

یافتن کتاب مناسب و آماده‌سازی کتاب را می‌آموختند و خود در این زمینه شناخت و مهارت لازم را به دست می‌آوردند.

به خاطر آوردن که وقتی «شورای کتاب کودک» نخستین کارگاه کتابداری را در سال ۱۳۴۲ در مدرسه روش نو برگزار کرد، و من هم یکی از شرکت‌کنندگان بودم، برای کار عملی به کتابخانه عمومی پارک خیام رفتیم و خانم انصاری همین کارها را به ما آموختند و کتابخانه را برای مراجعه‌کنندگان سامان دادند.

باز به یاد آوردن چگونه تأسیس کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را، و جلساتی که در آغاز در ساختمانی در کنج خیابان بهار و انقلاب و سپس در نزدیکی ورزشگاه شهید شیرودی در خیابان بهار داشتیم و برنامه‌های کار کانون را در زمینه تأسیس کتابخانه‌های عمومی برای کودکان در تهران و درسراسر ایران مدون می‌کردیم و از آموخته‌های استاد بهره‌می‌بردیم. بعدها که کارگاه‌های کتابداری شورا در مدرسه فرهاد برگزار شد و خانم انصاری در ایران نبودند، مسوولان کانون به کمک ما آمدند.

حاصل تلاش خانم انصاری برای تشکیل کتابخانه در روستا خود حکایتی جداگانه است، که با هدایت سپاهیان دانش در سال ۱۳۴۲، آغاز شد (کتاب تشکیل کتابخانه در روستا، ۱۳۴۳) و کسانی که در مکتب این استاد کتابداری آموخته بودند، پس از انقلاب اسلامی آن را در جهاد سازندگی ادامه دادند و شمار قابل توجهی از روستاهای ایران صاحب کتابخانه عمومی شدند.

طاقت نیارودم، مراجعه کردم به کتاب خاص انجمن آثار و مفاخر فرهنگی با عنوان زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی استاد فرهیخته و کتابدار برجسته نوش آفرین انصاری، که برای مراسم بزرگداشت ایشان در تیرماه ۱۳۸۳ تهیه شده بود. در این اثر نام بسیاری از بزرگان رشته کتابداری سرزمین ما آمده است، بزرگانی که یا دانشجو و یا همکار خانم انصاری بوده‌اند و در ساختن این رشته از دانش بشری، در تأسیس کتابخانه‌ها، در به وجود آوردن منابع علمی، طبقه‌بندی‌های لازم برای منابع فارسی، دائرةالمعارف کتابداری و گسترش این رشته تحصیلی در سطح دانشگاه، تأسیس کتابخانه‌های جدید و بسیاری کارهای ضروری نقش فعال داشته و دارند. فهرست ۳ کتاب انتشار یافته، ۶۰ مقاله در مطبوعات کشور، ۶ مقاله ترجمه شده، ۱۶ مقاله به زبان انگلیسی، ۵ اثر چاپ نشده و ۳۰ گفت‌وگوی چاپ شده، و راهنمایی ۹۸ پایان‌نامه در پایان این کتاب نشانی از فعالیت گسترده نوش آفرین انصاری دارد که مطالعه هر یک هنوز هم می‌تواند راهگشا باشد.

فکر کردم پدید آوردن این مجموعه ارزنده را نمی‌توان دست کم گرفت با استفاده از آنها

– همه مدرسه‌های ما می‌توانند، با کمک و همیاری دانش‌آموزان و معلمان و والدین کتابخانه‌های مجهز و فعال داشته باشند.

– همه محله‌های ما می‌توانند با کمک و همیاری اهل محل و گنجینه کتاب‌هایی که در زندان‌های کتاب در خانه‌ها وجود دارند، کتابخانه عمومی داشته باشند.

– همه مؤسسه‌ها می‌توانند با همین روش کتابخانه‌های تخصصی و عمومی تشکیل دهند.

– دانشجویان کتابدار ما می‌توانند در سازماندهی این کتابخانه‌ها شرکت کنند و آموخته‌های خود را در اختیار همه بگذارند.

– روستاهای ما می‌توانند با همکاری مساجد، شوراهای اسلامی و استفاده از تجربه‌های جهاد سازندگی کتابخانه عمومی و برنامه‌های فرهنگی داشته باشند.